

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وظیفه خاص پیامبر در تبلیغ شریعت الهی

استاد راهنما: حجت الاسلام مهدی احمدی

نویسنده: سید علی محمدی

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## چکیده

قرآن کریم وظیفه خاص پیامبر را تبلیغ شریعت الهی ذکر می‌کند. و برای از بین رفتن دین الهی این امر نیازمند خلیفه و جانشین بعد از ایشان می‌باشد. بدین خاطر است مسلمانان بعد از پیامبر اکرم افرادی را به عنوان امام و خلیفه معرفی نمودند. اهل تسنن در همین راستا به ادله متعدد برای اثبات خلافت خلفایشان استناد نمودند. از جمله آیاتی که آنان برای خلافت آنان ذکر می‌کنند آیه « ۵۵ سوره مبارکه نور » است. در کتاب های کلامی و تفسیری تبیین این مسئله به صورت مبسوط پرداخته شده است.

از جمله کتاب هایی که از جهات متعدد به بررسی این موضوع پرداخته کتاب «نقد ادله خلافت» آیت الله نجم الدین طوسی می باشد. ما در این نوشتار این بخش از کتاب ایشان را به صورت خلاصه ارائه نمودیم تا به راحتی در دسترس همگان قرار بگیرد.

در نهایت با بررسی نظریات مختلف به نادرست بودن این استدلال برای خلافت خلفا اشاره شده و این آیه بر اساس ادله متعدد منطبق بر عصر ظهور و خلافت مهدی موعود علیه السلام منطبق شده است.

## واژگان کلیدی

خلافت، استخلاف، نور ۵۵، حضرت مهدی، ابوبکر، خلفا، اهل سنت

## مقدمه

بعد از ارتحال پیامبر اکرم به واسطه اینکه آخرین پیامبر الهی است جامعه اسلامی نیازمند اشخاصی است که وظیفه هدایت و راهنمایی مردم را به عهده گیرند و بدین خاطر جامعه نیازمند خلیفه و جانشین است.

اهل تسنن بعد از رسول اکرم قائل به جانشینی ابوبکر و عمر هستند و ادعا میکنند که پیامبر اکرم جانشینی برای خودشان معرفی نکردند و صحابه در شورای سقیفه ابوبکر را به جانشینی پیامبر انتخاب کردند. برای اینکه شایستگی ابوبکر را برای این منصب خوب جلوه دهند به ادله های قرآنی و روایی متعددی استدلال نمودند. که هر کدام از این ادله در طول تاریخ توسط علما شیعه مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

یکی از آن ادله هایی که برای خلافت و جانشینی ابوبکر به آن استدلال شده آیه سوره مبارکه نور می‌باشد.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ<sup>۱</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقاند.

در نظر مفسرین و متکلمین عامه این آیه جایگاه ویژه‌ای در بحث خلافت دارد که یکی از دلایل و مستندات مهم در اثبات خلافت خلفا به شمار می‌آید.

به گونه‌ای که فخر رازی در تفسیر کبیر جلد ۲۴ صفحه ۲۵ این آیه را بر خلافت خلفا منطبق می‌داند.<sup>۲</sup>

از جمله کتاب‌های که به بررسی این آیه پرداخته کتاب «نقد ادله خلافت» آیت الله نجم الدین طیبی است. ایشان در بخشی از این کتاب به این اشاره نموده و آن را از جهات مختلف و متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد. در این نوشتار این بخش از کتاب را به صورت تلخیص در آورده تا به آسانی در اختیار همگان قرار بگیرد.

ایه مورد استشهاد اهل سنت برای جانشینی خلفا

آیات متعددی را اهل سنت برای اثبات خلافت خلفا ذکر میکنند که یکی از این آیات آیه استخلاف است.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ<sup>۳</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده میدهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت .

<sup>۱</sup> نور ۵۵

<sup>۲</sup> تفسیر کبیر جلد ۲۴ صفحه ۲۵

<sup>۳</sup> نور ۵۵

## نحوه ی استدلال اهل سنت بر طبق این آیه

شیخ طوسی به نقل از ابو علی محمد بن عبد الوهاب جبایی در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن ذیل این آیه مینویسد<sup>۴</sup> استخلاف و تمکین مذکور در این تنها در ایام ابوبکر و عمر محقق شده است زیرا فتوحات و کشور گشایی ها در دوران حکومت ابوبکر و عمر به وقوع پیوسته است. ابوبکر بسیاری از سرزمینهای عرب و تعدادی از شهرهای عجم را فتح کرد در دوران حکومت عمر نیز همه کشور و پادشاهی ایران تا خراسان و سجستان فتح شد. با توجه به استخلاف و تمکین مذکور در آیه در ایام ابوبکر و عمر حقانیت خلفا اثبات میشود.

چند تن دیگر از علمای اهل تسنن در رابطه با این آیه همبگونه استدلال کرده اند.<sup>۵</sup>

فخر رازی با ارائه چند مقدمه تاکید میکند این آیه بر خلافت خلفا دلالت میکند

۱: حاضرین مورد خطاب خداوند در زمان رسول خدا هستند و این آیه دلالت بر امامان شیعه نمیکند.

۲: استخلاف به معنای جانشینی بعد از رسول اکرم است فخر رازی گمان میکند که استخلاف و تمکین فقط در زمان ابوبکر و عمر و عثمان محقق شده زیرا در این زمان بود که که کشورهای زیادی فتح شد و دین اسلام بر همگی خیره شد و این امور در زمان حضرت علی به وقوع نپیوست چون حضرت در گیر جنگهای داخلی بود.<sup>۶</sup>

زمخشری در الکاشف عن حقائق غوامض و ابن کثیر دمشقی در تفسیر القرآن العظیم و عبدالله بن عمر بیضاوی در انوار التنزیل بر اثبات خلفا به همین آیه استدلال کرده اند.<sup>۷</sup>

## بررسی و نقد استدلال

استدلالی که علمای اهل سنت نسبت به این آیه مطرح کرده اند از جهات مختلف و متعدد قابل اشکال است. تمام استدلالی که نسبت به این آیه مطرح میکنند بر اساس چند مقدمه قابل نقد است .

۱ منکم در آیه شریفه به معنای تبعیض است .

<sup>۴</sup> التبیان فی تفسیر القرآن ج ۷ ص ۴۵۶

<sup>۵</sup> شرح مواقف ج ۸ ص ۳۹۵ الکشف والبیان جلد ۷ صفحه ۱۱۵ المغنی فی ابواب التوحید والعدل جلد ۲۰ صفحه ۳۲۹

<sup>۶</sup> التفسیر الکبیر جلد ۲۴ صفحه ۲۵

<sup>۷</sup> تفسیر القرآن العظیم جلد ۳ صفحه ۳۱۳ انوار التنزیل صفحه ۴۷۳. الکاشف عن حقائق غوامض جلد ۳ صفحه ۲۴۵.

استخلاف به معنای جانشینی و رهبری است .  
تمکین در آیه به معنای کثرت فتوحات است .  
تمامی این سه مقدمه قابل نقد و بررسی است

## نقد مقدمه اول

فخر رازی در تفسیر کبیر برای اینکه استدلال خودش مبنی بر خلافت خلفا صحیح باشد منکم در آیه را تبعیضیه دانسته است.

در حالی که علمای متعددی از اهل سنت بخصوص صاحب نظران اهل سنت در ادبیات عرب من در آیه را بیانیه دانسته اند نه تبعیضیه

این هشام در کتاب مغنی اللیب مینویسد من در منهم به معنای بیان است نه تبعیض<sup>۸</sup>

زمخشری در الکاشف عن حقایق غوامض و بیضاوی در انوار التنزیل والوسی در روح المعانی به معنای بیانیه بودن منکم تصریح کرده اند<sup>۹</sup> .

## نقد مقدمه دوم

عده ای میخواهند استخلاف در آیه را به معنای امامت و جانشینی پیامبر تعبیر کنند و اینگونه تعبیر حتی در میان علمای اهل سنت نیز قابل مناقشه و استدلال است .

ابو اسحاق ثعلبی در الکشف و البیان مینویسد<sup>۱۰</sup> استخلاف در آیه به معنای جایگزین کردن و تغییر ساکنان زمین است .

محمد ابن احمد قرطبی به نقل از ابن عطیه در الجامع لاحکام القرآن مینویسد

ابتدا قول صحیح این است که آیه مختص به خلافت خلفا نیست و در باره همه صحابه است .

ثانیا مراد از استخلاف همان معنایی است که ثعلبی ذکر کرده است . قرطبی در ادامه مینویسد از یک سو دلیل و روایتی مبنی بر اختصاص داشتن آیه نسبت به خلفا نداریم و از سوی دیگر مقتضی آیه تمسک به عموم را میرساند<sup>۱۱</sup> .

<sup>۸</sup> مغنی اللیب صفحه ۱۶۶

<sup>۹</sup> الکاشف عن حقایق غوامض جلد ۳ صفحه ۲۴۴. انوار التنزیل صفحه ۴۷۲ درالوسی در روح المعانی جلد ۱۸ صفحه ۵۳۵

<sup>۱۰</sup> الکشف و البیان جلد ۷ صفحه ۱۱۴

<sup>۱۱</sup> الجامع لاحکام القرآن جلد ۶ صفحه ۳۷۳

به خاطر همین دو دلیل آیه عام است و مختص به خلافت خلفا نیست .

سید مرتضی در الشافی فی امامه مینویسد استخلاف به معنای جانشینی پیامبر نیست بلکه به معنای جایگزینی از گذشتگان است<sup>۱۲</sup> .

سید مرتضی مینویسد خداوند میفرماید

<وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكَمُ خَلَائِفَ الْأَرْضِ> خداوند شما را جایگزین همدیگر قرار داده است و در آیه <قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَمَا نَصَرَكُمُ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ الَّذِي يَرْزُقُ الْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ وَالْيَتِيمَ> امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید و شما را در زمین جانشین کند آنگاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد و در آیه <وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ مِنْ نَسَائِكَ> اگر بخواهد شما را از بین میبرد و کسانی دیگر را جایگزین شما میکند و در آیه <وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ حِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ تَذُكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا> خداوند شب و روز را پشت سر هم جایگزین همدیگر قرار داده است استخلاف در آیه به معنای جایگزینی از گذشتگان است<sup>۱۳</sup> .

سید مرتضی در ادامه میفرماید جانشینی از گذشتگان در همان زمان حضرت رسول اتفاق افتاده است و ادعای کامل نشدن دین اسلام در زمان حضرت رسول سخنی نادرست و اشتباه است .

شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن مینویسد کسانی که میخواهند استخلاف در آیه را به خلافت خلفا نسبت دهند ابتدا میبایست از خارج با دلیل دیگر خلیفه بودن خلفا را ثابت و سپس به دنبال اثبات استخلاف خلفا در آیه مد نظر مد نظر باشند<sup>۱۴</sup> .

### نقد مقدمه سوم

علمای اهل سنت تمکین موجود در آیه را به معنای کثرت کشور گشایی ها دانسته اند تا بر دوران خلافت خلفا قابل انطباق باشد .

شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن مینویسد تمکین در آیه به معنای صرف فتوحات و کشور گشایی ها نیست زیرا اگر اینگونه تعبیر شود<sup>۱۵</sup> .

<sup>۱۲</sup> الشافی فی امامه جلد ۲ صفحه ۴۵،۴۶

<sup>۱۳</sup> انعام ۱۶۵، اعراف ۱۲۹، انعام ۱۳۳، فرقان ۶۲

<sup>۱۴</sup> التبیان فی تفسیر القرآن جلد ۷ صفحه ۳۵۷

<sup>۱۵</sup> همان

اولا اگر صرف کشور گشایی ها ملاک باشد اینگونه معنا میشود که ثبات و قوام دین در زمان حضرت رسول محقق نشده است زیرا در زمان پیامبر صحابه موفق به فتح بسیاری از شهرها نشدند .

ثانیا اگر صرف کشور گشایی ها ملاک مد نظر باشد اینگونه معنی میشود که تمکین در آیه تا به الان هنوز اتفاق نیافتاده است و از طرفی قابل اطلاق بر دوران خلفا هم نیست زیرا اکثر کشورها هنوز غیر مسلمان هستند .

ثالثا بر فرض که ادعا صحیح باشد و صرف کشور گشایی ها ملاک باشد در دوران حکومت معاویه بیشتر قابل اطلاق است تا نسبت به دوران خلافت خلفا

رابعا اگر صرف کشور گشایی ها ملاک باشد از میان خلفا فقط بر دوران عمر قابل تطبیق است و لاغیر زیرا ابوبکر که در گیر جنگ داخلی بود و عثمان هم که قدرت و نفوذ کافی را نداشت .

به همین خاطر نمیتوان تمکین در آیه را برای خلافت خلفا در نظر بگیریم .

فخر رازی ادعا میکند که این را امامان شیعه نسبت داد زیرا تمکین و نفوذ فراگیری در زمان امامان شیعه تحقق نیافت<sup>۱۶</sup> .

ما هم در مقام پاسخ میگوییم آیه بر خلافت خلفا قابل تطبیق نیست زیرا تمکین و نفوذ فراگیری در زمان آنان حاصل نشد .

استدلال اهل سنت برای خلافت خلفا با وجود نقدهایی که ذکر شد دارای اشکالات دیگری هم است از جمله آن اشکالات میتوان به این موارد اشاره نمود.

۱: تنافی با مبنای عدم تعیین جانشین

علمای اهل سنت از جمله جبایی ثعلبی، قاضی عبد الجبار، فخر رازی و قاضی ایچی میگویند که خداوند در این آیه بدون هیچ ابهامی جانشینان رسول اکرم را مشخص و معین کرده است .

اگر این ادعا و استدلال صحیح است چرا اکثر علمای اهل سنت میگویند حضرت رسول جانشین خود را مشخص نکرده و انتخاب آن را به عهده مردم گذاشته است .

فخر رازی برای پاسخ به این پرسش میگوید حضرت رسول اکرم از طریق نص جلی جانشین خود را مشخص نکرده بلکه بر اساس نص خفی این عمل را انجام داده است .

در پاسخ به ادعای فخر رازی باید متذکر شد که

اولا نص خفی عبارتی غیر متعارفی است که نیاز مند توضیح است .

ثانیا احمد ابن علی رازی در الفصول فی الاصول مینویسد تقسیم نص به جای و حقی را قابل قبول نمی داند و میگوید نص حقی عبارتی فاسد است زیرا نص به معنای صراحت و وضوح است اما حمید غیر صریح و واضح است و نمیشود یک مطلب هم صریح ب و هم غیر صریح باشد<sup>۱۷</sup>.

### چند نکته پیرامون سخن فخر رازی

چرا نص جلی را کنار گذاشته و به نص خفی عمل میکنید.

این انتخاب معقول به نظر می رسد یا خیر.

چرا عمر بیعت با ابوبکر را امر ناگهانی میدانند .

اگر آیه دلالت بر خلافت ابوبکر داشت فلته خواندن سخن عمر بی معنی به نظر میرسد بنابراین این سخن عمر دلالت بر این میکند . که آیه هیچ دلالتی بر خلافت او نمیکند .

ابن اثیر جزری در این باره در النهایه فی غریب الحدیث مینویسد

بیعت ناگهانی باعث اختلاف میگردد اما خداوند در این مورد کمک کرد تا مشکلی به وجود نیاید<sup>۱۸</sup> .

۲: لزوم اثبات ایمان خلفا با دلیل دیگر

خداوند در آیه مذکور وعده خلافت را مشروط به ۲ امر اساسی میکند ایمان قلبی و عمل صالح و کسانی که میخواهند این خلافت را به خلفا نسبت دهند ابتدا باید ایمان و عمل صالح برای آنان اثبات نمایند .

از طرفی این موضوع ممکن است که خلفا هیچگاه از صمیم قلب ایمان نیآورده و هیچ نمونه ای از عمل صالح از آنان دیده نشده است و این آیه شامل آنان نمیشود .

۳: عدم تطابق آنه بر شیخین

خداوند در فقره ولیمکنن دینهمُ الَّذِی ارْتَضَى لَهُ اسْتَوَار کردن دین را علاوه بر ایمان و عمل صالح منوط به دین مورد رضای خویش میدانند.

این فقره آیه قابل تطبیق بر خلفا نیست زیرا آنان به دنبال کسب رضایت الهی در دین داری نبودند .

بعد از رحلت رسول اکرم حاکمان نسبت به این فقره ذکر شده درایه هیچ اهمیتی نکردند.

<sup>۱۷</sup> الفصول فی الاصول جلد ۴ صفحه ۷۵

<sup>۱۸</sup> النهایه فی غریب الحدیث جلد ۳ صفحه ۴۶۷



شواهد در این مورد

الف حضرت علی درباره نحوه عملکرد خلفا میفرمایند حاکمان مرتکب امور بسیار زشتی شده و عمدا با دستورات الهی مخالفت کردند.<sup>۱۹</sup>

ب در جریان تعیین خلیفه سوم هنگامی که عبد الرحمن عوف بیعت با حضرت علی را مشروط به عمل به قرآن و سنت رسول خدا و خلفای قبلی کرد حضرت علی عمل به سنت خلفا را قابل قبول نمیداند چون معتقد بودند بر خلاف قرآن و سنت رسول اکرم عمل کردند.<sup>۲۰</sup>

ج ابوبکر اعتراف میکند که شایسته خلافت نبوده و افراد دیگر شایسته این کار بودند.<sup>۲۱</sup>

د. درباره علم و آگاهی عمر سخن خودش است که میگوید همه مردم حتی زنان پشت پرده نیز از عمر آگاه تر به اسلام و احکام هستند.<sup>۲۲</sup>

نمونه ای از فتوای صادر شده توسط خلیفه دوم

عمر میگوید اگر شخص جنب به آب دسترسی نداشت نماز نخواند.<sup>۲۳</sup>

بیهقی در السنن الکبری مینویسد عمر از شکایات نماز هیچ مطلبی نمی دانسته و از رسول اکرم نیز نپرسیده است.<sup>۲۴</sup>

ابن ابی شیبہ در المصنف میگوید عمر تصمیم گرفت زنی را پس از شش ماه بارداری که وضع حمل کرد سنگسار کند که حضرت علی علیه السلام با استناد به آیات قرآن از این کار منع کرد.<sup>۲۵</sup>

برای آگاهی بیشتر در مورد فتاوی صادر شده توسط عمر به کتاب الغدیر فی الکتاب والسنه و الادب علامه امینی مراجعه گردد.

بدر الدین عینی در شرح صحیح بخاری ج ۵ صفح ۲۰۳ درباره علم و آگاهی عثمان میگوید هر چند عمر حفظ قرآن برایش مشکل بود اما از عثمان آگاه تر بود.<sup>۲۶</sup>

هاشم بن عتبہ در پاسخ به جوان شامی میگوید عثمان به خاطر بدعت در دین و مخالفت با احکام قرآن کشته شد .

<sup>۱۹</sup> الاحتجاج ج ۱ صفحه ۳۹۲

<sup>۲۰</sup> المسند ج ۱ صفحه ۷۵

<sup>۲۱</sup> شرح نهج البلاغه ج ۱ صفحه ۱۶۹

<sup>۲۲</sup> شرح نهج البلاغه جلد ۱ صفحه ۱۸۲

<sup>۲۳</sup> صحیح مسلم صفحه ۲۰۰

<sup>۲۴</sup> السنن الکبری ج ۳ صفحه ۲۸۲

<sup>۲۵</sup> المصنف ج ۷ صفحه ۳۵۰

<sup>۲۶</sup> شرح صحیح بخاری ج ۵ صفح ۲۰۳

حال با توجه به مطالبی که ذکر شد چگونه ادعا میکنید در دوره خلفا دین مورد رضای خدا پیاده و بدان عمل شد .

۴:عدم وجود امنیت

خداوند در انتهای آیه وعده به امنیت و آرامش داده است و عده ای از متعصبین آیه را بر دوران خلافت خلفا نسبت میدهند در حالی که این موضوع به هیچ وجه صحیح نیست زیرا

اگر این ادعا صحیح است چرا ابوبکر در ۲ سال حکومتش درگیر جنگهای داخلی با مسلمانان بود .

در ضمن چرا خلیفه دوم و سوم در دوران حکومتشان کشته میشوند .

چگونه است که صحابه به عملکرد عثمان معترض شده و او را میکشند .

مفضل روایتی از امام صادق نقل میکند که حضرت به ادعای مطرح شده توسط اهل سنت اعتراض کرده و میگوید

آیا در زمان خلفا دین مورد رضای خداورسول خدا منتشر شد .

آیا ترس و وحشت از دل‌های مسلمانان بیرون رفت .

آیا در این دوره شک و تردید از دل‌های مردم کنار رفت .

آیا در این دوره مسلمانان مرند نشده و از دین برنگشتند .

آیا در این دوره جنگ و فتنه در بین مسلمین شکل نگرفت .

ابن عربی در الجامع لاحکام القرآن در مقام دفاع میگوید<sup>۲۷</sup>

وعده امنیت در آیه اینگونه نیست که هیچ نوع جنگ و اختلافی شکل نگیرد لذا کشته شدن و اختلاف منافاتی با وعده داده شده ندارد و برعکس وعده داده شده این است که مسلمین از روی اختیار امور خود را انجام میدهند و دیگر زیر فرمان کسی نیستند .

قرطبی در جامع لاحکام<sup>۲۸</sup> به نقد سخنان ابن عربی پرداخته و میگوید .

از سویی امنیت مختص به زمان خلفا نیست و از سویی دیگر ایه عام است بنابراین قابل تطبیق بر دوران خلفا نیست .

۵:اختصاص ایه به زمان پیامبر

<sup>۲۷</sup> الجامع لاحکام القرآن ج ۶ صفحه ۳۷۴

<sup>۲۸</sup> همان

در منابع اهل سنت روایاتی ذکر شده است که نشان می‌دهد آیه محل بحث مربوط به دوران رسول اکرم است و به هیچ عنوان شامل خلفا نمیشود.

الف روایت ابو العالیه میگوید رسول خدا ۱۰ سال در مکه زندگی میکردند که در این مدت هیچ برنامه ای برای مبارزه و جهاد نداشتند . پس از هجرت به مدینه مامور به جهاد و مبارزه با مشرکان شدند . اصحاب رسول خواب راحت نداشتند تا اینکه از این وضع موجود خسته و به پیامبر عرضه داشتند . که آیا ممکن است روزی این وضع موجود تمام شود که پس از مدتی این آیه شریفه نازل شد. و مسلمین بر همه همه جزیره العرب حاکم شدند<sup>۲۹</sup>. شبیه به این روایت را ابی ابن کعب و براء بن عازب هم نقل میکنند<sup>۳۰</sup> .

الوسی پس از ذکر روایت ابی بن کعب میگوید استناد به این روایت به خاطر شان نزول برای اثبات خلفا صحیح نیست.<sup>۳۱</sup>

مقاتل بن سلیمان در تفسیر مقاتل و اسماعیل بن عبدالرحمن سدی در تفسیر القرآن العظیم از مفسران اهل سنت مینویسند کفار مکه به مسلمین اجازه ورود به مکه به خاطر مناسک حج را ندادند و مسلمین ارزش کردند که ای کاش با امنیت کامل اجازه ورود به مکه و فتح آن را داشتیم که خداوند آیه مذکور را نازل و مسلمین فاتح مکه گشتند<sup>۳۲</sup> .

ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم مینویسد وعده های داده شده در آیه را بر زمان رسول الله نسبت داده و مینویسد خداوند وعده استخلاف را بر مسلمین داده است و امنیت کامل در آن زمان حاصل میشود که این وعده را قبل از رحلت رسول الله به تحقق پیوست<sup>۳۳</sup> .

این کثیر در ادامه هرچند میخواهد آیه را بر خلافت خلفا نسبت دهد اما هیچ گاه منحصر در آن . نکرده است و میگوید این حدیث بیانگر آن است که رسول اکرم حتما ۱۲ خلیفه عادل قریشی خواهند داشت که حتما لازم نیست همگی پشت سر هم باشند .

این کثیر در مقام تطبیق روایت پیامبر علاوه بر خلافت خلفا حضرت مهدی را یکی از آن ۱۲ خلیفه میداند . و میگوید یکی از آنان مهدی است که اسم و کنیه آن با رسول اکرم یکی است و روزگاری خواهد . آمد که ظلم و جور زمین را فرا گرفته و زمین را بر از عدل میکند .

<sup>۲۹</sup> الکشف و البیان ج ۷ صفحه ۱۱۵

<sup>۳۰</sup> الدر المنثور ج ۶ صفحه ۱۹۸ ، تفسیر القرآن العظیم ج ۸ صفحه ۲۶۲۸

<sup>۳۱</sup> روح المعانی ج ۱۸ صفحه ۵۳۵

<sup>۳۲</sup> تفسیر مقاتل ج ۲ صفحه ۲۲۴ . تفسیر القرآن العظیم ج ۸ صفحه ۲۶۲۷

<sup>۳۳</sup> تفسیر القرآن العظیم جلد ۳ صفحه ۳۱۲ و ۳۱۱ ،

حال با توجه به این مطالب که در کتب اهل سنت ذکر شد مشخص میگردد که این آیه مربوط به دوران دعوت رسول الله است و هیچ ربطی به خلافت خلفا ندارد .

۶:عدم وجود امنیت در دوران سه خلیفه

علمای اهل سنت ابتدا در تلاش هستند که تمکین و امنیت در آیه را به خلفا نسبت دهند اما در مقام تطبیق روایاتی را نقل میکنند که آیه فقط بر ابوبکر و عمر و عثمان قابل انطباق است .برخی از مفسرین وعده موجود در آیه را بر عثمان هم قابل تطبیق نمی دانند و فقط منحصر در ابوبکر و عمر میکنند .

نظر محدثان و مفسران شیعه

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر قمی مینویسد.این آیه درباره حضرت مهدی نازل شده است.<sup>۳۴</sup>

شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن بیان میکند این آیه درباره حضرت مهدی است و اعتقاد ائمه همبر همین مطلب است.<sup>۳۵</sup>

طبرسی در الاحتجاج روایتی از حضرت علی نقل کرده و مینویسد خداوند وعده ای را که به کافران داده محقق میکند .و سپس وعده خداوند به مومنان مربوط به زمانی است که صاحب امر ظهور میکند و دین اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد <sup>۳۶</sup>.

طبرسی در مجمع البیان شبیه به این روایت حضرت علی به نقل از عیاشی از امام سجاد ذکر میکند که حضرت مهدی ظهور میکند تا زمین را پر از عدل و داد کند .

امام صادق در زیارت امام حسین این آیه را مربوط به دوران امام زمان میداند و میفرماید خداوند شرایط و تمکین و نصرت خاندان پیامبرت را فراهم آور

علامه طباطبایی در المیزان مینویسد اگر استخلاف به معنای خلافت و جانشینی باشد این آیه بر دوران خلفا قابل تطبیق نیست و حتی بر دوران حضرت رسول و حضرت علی هم قابل تطابق نسبت زیرا جامعه پاکی که در آیه وعده داده شده هنوز محقق نشده است و با توجه به روایات که درباره حکومت حضرت مهدی آیه میتواند بر ایشان قابل تطبیق باشد<sup>۳۷</sup>.

<sup>۳۴</sup>تفسیر قمی ج ۱ صفحه ۱۴

<sup>۳۵</sup>التبیان فی تفسیر القرآن ج ۷ صفحه ۴۵۷

<sup>۳۶</sup>الاحتجاج ج ۱ صفحه ۳۸۲

<sup>۳۷</sup>المیزان جلد ۱۵ صفحه ۱۵۶،۱۵۷

در منابع اهل سنت سخنی از عطیه نقل شده که مدعی این آیه را که مربوط به دوران حکومت حضرت مهدی است را ثابت میکند.<sup>۳۸</sup>

عبدالله بن سنان میگوید از امام صادق در باره این آیه سوال کردم امام فرمودند در باره ائمه صادر شده است.<sup>۳۹</sup>

عبدالله بن سنان در جایی دیگر شبیه به این روایت را ذکر میکند.<sup>۴۰</sup>

### اشکالات مفسرین عامه

علمای اهل سنت معتقدند که تطبیق آیه بر دوران امام زمان دارای اشکالاتی است .

الف، عدم شمول آیه نسبت به غائبان

برخی گمان میکنند مخاطبان در آیه باید در زمان رسول اکرم حضور داشته باشند و آیه شامل امام زمان نمیشود .

در مقام پاسخ باید گفت که

اولا رسول اکرم و امامان همگی به عنوان یک مجموعه شناخته می شوند که . خداوند به آنان وعده استخلاف و تمکین را داده است.

ثانیا در صحت مخاطبان آیه لازم نیست که همگی ، در زمان رسول اکرم حضور داشته باشند بلکه همین که رسول اکرم و . علی و امام حسن و امام حسین حضور دارند کافی است و خداوند از باب تغلیب جمعی که حاضر بودند را مورد خطاب قرار داده است .

ثالثا خطاب های قرآن مربوط به زمان خاصی نیست و کسانی که بعدها می آیند هم مخاطب هستند . به طور مثال وقتی خداوند . میفرماید < يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ ><sup>۴۱</sup> مخاطب تمام انسانهای است که در عصر های بعدی می آیند .

ب برخی میگویند آیه را نمیتوان بر همه ی امامان ۱۲ گانه تطبیق داد زیرا اوصاف ذکر شده در آیه در مورد همه صادق نیست .

<sup>۳۸</sup> الدر المنثور ج ۶ ص ۱۹۳

<sup>۳۹</sup> الکافی ج ۱ صفحه ۱۹۳

<sup>۴۰</sup> کنز الدقائق ج ۹ صفحه ۳۲۸

<sup>۴۱</sup> نساء ۵۹

در مقام جواب میگوییم مخاطب آیه رسول اکرم و امامان هستند اما تحقق اوصاف و وعده ها مربوط به حکومت حضرت مهدی است. به طور مثال وقتی میگوییم بنی امیه امام حسین را به شهادت رساندند لازم نیست همگی در شهادت امام حسین شریک باشند بلکه حضور بعضی در این امر کافی است.

## نتیجه گیری

- ۱: استدلالی که اهل سنت نسبت به این آیه مطرح کرده اند از جهات مختلف و متعدد دارای اشکال است.
- ۲: استدلال فخر رازی درباره منکم در آیه شریفه که تبعیضیه دانسته است بر خلاف ادعای دیگر علمای اهل سنت است.
- ۳: تعبیر کردن اصطلاح به معنای امامت و جانشینی در میان اهل سنت هم دارای اشکال و خدشه است.
- ۴: ادعای کامل نشدن دین در زمان رسول الله سخنی سخت و نادرست است.
- ۵: تمکین در آیه به معنای صرف فتوحات و کشورگشایی ها نیست زیرا اگر این نظریه درست باشد فقط بر دوران عمر قابل تطبیق است.
- ۶: بر اساس مفاد آیه و روایات که از کتب امامیه قابل استناد است استخلاف در آیه بر قوم موعود و حضرت ولی عصر علیه السلام قابل استناد است.

## منابع

- ۱، قرآن کریم
- ۲، طوسی، الشیخ محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی. چاپ اول. ۱۴۰۹. قم. ایران.
- ۳، اسدآبادی، قاضی عبد الجبار، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، دار الکتب العلمیه. چاپ اول. ۱۴۳۳. بیروت. لبنان
- ۴، الثعلبی، تحقیق: الإمام أبی محمد بن عاشر، تفسیر الثعلبی، دار  
إحياء التراث، بیروت - لبنان
- ۵، ایجی، میر سید شریف، شرح المواقف، دار الکتب العلمیه. چاپ دوم. ۱۴۳۳ و بیروت. لبنان
- ۶، الرازی، فخر الدین. التفسیر الکبیر، مکتب الاعلام الاسلامی. چاپ چهارم. ۱۴۱۳. قم. ایران

٧، زمخشري، محمود بن عمر الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، دار الكتب العلمية، چاپ اول، بيروت، لبنان

٨، ابن إدريس الرازي ابن أبي حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسير

القرآن العظيم، المكتبة العصرية، چاپ چهارم، ١٤١٣. قم، ايران

٩، البيضاوي، تفسير البيضاوي، دار الفكر الناشر: دار الفكر، بيروت

١٠، الألوسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٢٠. بيروت لبنان

١١، قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، المكتبة العصرية، چاپ اول، ١٤٢٧. بيروت، لبنان

١٢، أبي القاسم علي بن الحسين الموسوي، سيد

شريف مرتضى، الشافى فى الإمامة، موسسه التاريخ العربى، چاپ اول، ١٤٣٣. بيروت، لبنان

١٣، الجصاص، أحمد بن علي أبو بكر الرازي، الفصول فى الأصول، چاپ اول، ١٤٠٥. بی جا، نرم افزار مكتبه شامله

١٤، الشيبانى الجزرى ابن الأثير . موسسه مطبوعاتى اسماعيليين، چاپ چهارم، ١٣٦٤. قم، ايران

١٥، الطبرسى، احمد بن على، دار النعمان، ١٣٨٩. نجف، عراق

١٦، الشيبانى، أحمد بن محمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار صادر، بی تا، بيروت، لبنان

١٧، ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، عبد الحميد بن هبه الله، دار احياء الكتب العربيه، چاپ دوم، ١٣٨٥

١٨، النيسابورى، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، دار المعرفه، چاپ دوم، ١٤٢٨. بيروت، لبنان

١٩، البيهقى، أبو بكر، احمد بن حسين، دار الفكر، چاپ اول، ١٤١٩. بيروت، لبنان

٢٠، ابن أبى شيبه العبسى، أبو بكر، المصنف فى الأحاديث والآثار، دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٩. بيروت، لبنان

٢١، السيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى التفسير الماثور، دار احياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٢. قم، ايران

٢٢، تفسير مقاتل بن سليمان، دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٢٤. بيروت لبنان

٢٣، قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، سوم، انتشارات كتای فروشى علامه، قم، ايران

٢٤، طبرسى، فضل بن حسن، المكتبة الرضويه لاهياء الآثار الجعفرية، چاپ اول، ١٤٣١. قم، ايران

٢٥، الطباطبائى، محمد حسين، موسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤٢٢. بيروت، لبنان

۲۶، کافی. کلینی. محمد بن یعقوب. دارالکتب الاسلامیه. محقق علی اکبر غفاری. تهران. ایران

۲۷، کنزالدقائق و بحر الغرائب. مهشدی. محمد بن محمد رضا. از اعلامقرن دوازدهم موسسه فرهنگی هنری شمس الضحی. تحقیق حسین درگاهی. چاپ اول. ۱۴۳۰. تهران. ایران